



بخش اول

تبیین جهت‌گیری‌ها و
رویکردهای کلان برنامه‌درسی



اصول حاکم بر برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی دوره ابتدایی

- اصل ۱- در کلیه عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی آموزش زبان فارسی، باید رویکرد حاکم بر برنامه درسی ملی، یعنی فطرت‌گرایی توحیدی، سرلوحه عملی برنامه‌ریزی و تألیف قرار گیرد.
- اصل ۲- در برنامه فارسی دوره ابتدایی اصل بر پرداختن به جنبه‌های کاربردی و مهارت‌های زبانی است.
- اصل ۳- برنامه باید بتواند زمینه‌ساز ارتقای آداب و مهارت‌های زندگی در کودکان باشد.
- اصل ۴- برنامه باید سرمشق عملی تقویت «چگونه اندیشیدن و تفکر انتقادی» و «اخلاقیت» در کودکان باشد.
- اصل ۵- برنامه باید زمینه انس گرفتن کودک به مطالعه مستمر در زندگی را فراهم سازد.
- اصل ۶- در تدوین برنامه از جدیدترین دستاوردها و پژوهش‌های حوزه ادبیات کودکان، زبان‌شناسی و روان‌شناسی استفاده شود.
- اصل ۷- سیر آموزش زبان فارسی از ساده به پیشرفته و از طبیعی به معیار باشد.
- اصل ۸- در آموزش نکات زبانی، اخلاقی، ارزشی و شناختی تأکید بر شیوه غیرمستقیم باشد.
- اصل ۹- در تدوین محتوا به تمامی گونه‌های زبان فارسی به طور مناسب توجه شود.
- اصل ۱۰- به نقش سازنده زن و مرد به طور متناسب در برنامه توجه شود.
- اصل ۱۱- موضوعات و مطالب به محدوده جغرافیایی خاص منحصر نگردد.
- اصل ۱۲- در برنامه به دانش‌های بشری در زمینه‌های علمی، ادبی، هنری و فنون توجه کافی شود.
- اصل ۱۳- به پرورش حافظه شنیداری و دیداری توجه کافی شود.
- اصل ۱۴- برنامه باید زمینه‌ساز ابراز وجود و بیان احساس و عواطف دانش‌آموزان باشد.
- اصل ۱۵- به گسترش دایره واژه‌های زبان فارسی مورد نیاز دانش‌آموز توجه کافی شود.
- اصل ۱۶- خوانا نویسی در تمامی سطوح آموزشی مد نظر برنامه‌ریزان، مؤلفان و مجریان قرار گیرد.

اصول برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی دوره ابتدایی

فلسفه وجودی، ماهیت و ساختار ماده درسی: زبان فارسی نماد و نماینده هویت ملی و فرهنگی ما و ادبیات فارسی آینه فرهنگ و اندیشه ایران اسلامی ما از گذشته تاکنون است، در نتیجه آموزش ادبیات و زبان فارسی پل پیوند با هویت و فرهنگ اسلامی - ایرانی است. علاوه بر این، همه دروس

به زبان و ادبیات فارسی نیاز دارند و آموزش، بدون این واحدهای درسی امکان‌پذیر نیست. همچنین محتوای ادبیات فارسی در تربیت معنوی، تلطیف روح و احساسات و انتقال فضایل الهی و انسانی بسیار تأثیرگذار است. در ساختار این ماده درسی دو قلمرو زبان و ادبیات، در عین پیوستگی، جدا و مجزا از هم مطرح شده‌اند.

زبان، به عنوان یک پدیده اجتماعی، در شکلی پویا وظیفه ارتباط با یکدیگر و انتقال مفاهیم را برعهده دارد و ادبیات، به عنوان زبانی برتر، اندیشه و فرهنگ را هنرمندانه انتقال می‌دهد. پس رسالت زبان «چه گفتن» و ادبیات، «چگونه گفتن» است و از نظرگاه منطقی آموزشی این دو یکسان نیستند. در ساختار دروس کتاب درسی، «ادبیات» در قالب متن‌های درسی زیبا، رسا، اشعار، حکایات و داستان‌هایی از متون کلاسیک و نو، ایران و جهان، سامان یافته و «زبان» نیز در قالب آموزه‌های دستوری، نگارشی و املا تدوین شده است.

مبانی برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی

۱- حفظ و انتقال غنای اندیشه و ارزش‌های فرهنگ اسلامی- ایرانی، از طریق درج آثار منشور و منظوم فرهنگ و ادب فارسی؛

۲- ایجاد فرصت بهینه برای دانش‌آموزان در آشنایی با زبان و ادب فارسی با هدف کسب تجارب قابل استفاده در زندگی؛

۳- ایجاد زمینه تقویت خلاقیت و کاربرد درست مهارت‌های زبانی و ادبی در دانش‌آموزان؛

۴- ترغیب دانش‌آموزان به پاسداری از زبان و ادبیات فارسی، به عنوان میراث فرهنگی؛

۵- تقویت ذهن دانش‌آموزان در پویه‌های یاددهی- یادگیری، همگام با تحولات حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی با رویکردی نوین.

همسو با برنامه درسی ملی، اصول حاکم بر برنامه درسی فارسی نیز با فرایندی منطبق بر «فطرت‌گرایی توحیدی» و بسترسازی برای دستیابی به قرب الی‌الله و حیات طیبه، ویژه دانش‌آموزان، طراحی می‌شود.

زمینه‌سازی برای ارتقای آداب و مهارت‌های زندگی در کودکان، با توجه به جنبه‌های کاربردی و مهارت‌های زبانی، تقویت تفکر انتقادی و خلاقیت و گسترش فرهنگ مطالعه مستمر در زندگی کودک از اصول جامع برنامه درسی فارسی به شمار می‌رود.

به کارگیری جدیدترین دستاوردهای حوزه ادبیات کودکان، و تأکید بر شیوه‌های غیرمستقیم آموزش نکات زبانی، اخلاقی، ارزشی و شناختی و ترسیم مسیر آموزش زبان فارسی از ساده به پیشرفته و از

طبیعی به معیار، از اصولی است که در تدوین برنامه نقش تعیین کننده دارد. توجه به تمامی گونه‌های زبان فارسی، رعایت تعادل و تناسب نقش زنان و مردان در برنامه درسی و پرهیز از پرداختن به محدوده جغرافیایی خاص، اصول مهم حاکم در تدوین این محتواست.^۱

● تبیین رویکرد برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فارسی ابتدایی

ضرورت‌ها: تولید برنامه‌ای مکتوب و مدون با رویکرد مشخص زبان‌شناختی و روان‌شناختی که بتوان اصول آموزش را بر آن بنیان نهاد و بین «اهداف، محتوا، روش‌ها، ارزشیابی» و نیازهای کلی جامعه هماهنگی ایجاد کرد، بسیار ضروری است. همخوانی و پیوستگی در سیر و تداوم اصول و مبانی زبان‌آموزی و توجه به همه جنبه‌های آن و همگام شدن با انتظارات برنامه درسی ملی ضرورت طراحی برنامه درسی جدید و نوگرا را بیش از پیش متجلی می‌نماید.

رویکردهای حاکم بر برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری: در هر برنامه درسی مجموعه‌ای از بنیادهای نظری، با هدف جهت‌گیری اساسی نسبت به یاددهی و یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. رویکرد عام برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فارسی «فطرت‌گرایی توحیدی» است. که محتوای آن باید زمینه رشد و پرورش فطرت الهی دانش‌آموزان را فراهم کند و ایشان را به سوی «حیات طیبه» رهنمون سازد.

با توجه به تنوع و گوناگونی در رویکردهای مختلف، در برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی، علاوه بر در نظر داشتن رویکردهای کلی (holistic approach)، رویکرد تحلیلی (atomistic approach)، رویکرد تلفیقی، رویکرد تجربه‌زبانی (language-experience)، رویکرد زبان‌شناختی (linguistic approach)، رویکرد فعالیت محور، رویکرد ترکیبی (eclectic approach)، رویکرد ارتباطی، بر رویکرد خاص ارتقای مهارت‌های چهارگانه زبان‌آموزی (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) و مهارت فرا زبانی (تفکر، نقد و تحلیل) تأکید می‌شود.

● مخاطبان برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فارسی ششم

آگاهی داشتن معلمان از ویژگی‌های جسمانی، شناختی و عاطفی دانش‌آموزان، آنان را در انتخاب مناسب الگوی یاددهی - یادگیری بسیار کمک می‌کند. شناخت مخاطب و پی بردن به دنیای اندیشه و پیش‌بینی نیازهای او در اجرای موفق تدریس گامی مؤثر خواهد بود. لذا گسترش دامنه اطلاعات در این زمینه با مطالعه کتب موضوعی مرتبط برای معلمان دوره ابتدایی، که بنیان‌گذاران آموزش اصولی

۱- مراجعه شود به کتاب «راهنمای فارسی دوره ابتدایی» مؤلفان: دکتر اکبری، دکتر قاسم‌پور

و منطقی در عرصه آموزش و پرورش اند، توصیه می‌گردد.

دانش‌آموزان پایه ششم، که غالباً دوازده ساله‌اند و در بخش سوم از تقسیم‌بندی دوران کودکی (از تولد تا ۳ سالگی، از ۳ سالگی تا ۷ سالگی، از ۷ تا ۱۲ سالگی) قرار می‌گیرند، در این مقطع سنی از نظر جسمی، ذهنی و عاطفی شدیداً دچار تغییرات می‌شوند و روابط میان فردی ایشان گسترش می‌یابد. بنابراین فرصت‌های تازه‌ای جهت رشد استعدادها و بروز توانایی‌های جسمی و ذهنی آنان فراهم می‌گردد. همچنین وابستگی ایشان به والدین تدریجاً کاسته می‌شود و به عنوان فردی مستقل ابراز وجود می‌کنند.

سلامت جسمانی دانش‌آموزان در این سنین در سازگاری عاطفی و اجتماعی آنان مؤثر است و برعکس، بیماری‌های طولانی، شکست یا افت تحصیلی را در پی دارد.

رشد عاطفی و اجتماعی کودک در دوره ابتدایی بسیار سریع است و معلمان و هم‌کلاسی‌ها در آن نقش مهمی دارند. کودک در مدرسه، علاوه بر آموختن خواندن و نوشتن مطالب و روش‌های جدید، تعامل اجتماعی را نیز می‌آموزد.

رشد ذهنی کودکان در سنین ۷ تا ۱۲ سالگی در مرحله «عملیات محسوس یا عینی» قرار دارد که در آن کودک توانایی انجام دادن اعمال منطقی را کسب می‌کند.

● اهداف

الف) اهداف کلی برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی دوره ابتدایی: هدف کلی آن است که دانش‌آموزان با «ساختار زبان فارسی معیار»، «زبان گفتار و نوشتار»، «جلوه‌های هنری زبان» و مسائل کلی جامعه در قالب مهارت‌های زندگی آشنا شوند و به تقویت حافظه و راهکارهای پرورش خلاقیت بپردازند. ایجاد نگرش مثبت در دانش‌آموزان نسبت به مبانی اقتصادی، فرهنگی و ملی کشور با بیان احساسات، عواطف و افکار در قالب گفتار و نوشتار از دیگر اهداف این عرصه است که تلطیف احساسات و عواطف و گسترش فرهنگ مطالعه را نیز در بر دارد. تقویت چهار مهارت زبان‌آموزی (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن)، نیز از دیگر اهداف کلی برنامه درسی فارسی محسوب می‌شود.

ب) اهداف برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فارسی ششم دبستان مبتنی بر عناصر پنج‌گانه برنامه درسی ملی

۱- تفکر و تعقل: (تأمل، استدلال، استنباط، تجزیه و تحلیل، توجه، تدبیر، نقد، کشف، درک، حکمت، خلاقیت، پژوهش)

- تفکر و کنجکاوی در خلقت جهان، قدرت خدا و درک زیبایی‌های آفرینش؛
- تشخیص تضادها، شباهت‌ها و تفاوت‌های واژه‌ها؛
- استدلال منطقی از طریق رعایت انسجام در سخن گفتن و نوشتن؛
- استدلال منطقی از طریق درک انسجام در شنیدن و خواندن؛
- نظم فکری و درست اندیشیدن با ارائه طبقه‌بندی مفاهیم بر مبنای فرایندهای علمی و منطقی؛
- توانایی تحلیل نوشته‌ها و گفته‌ها با استفاده از روش قضاوت عملکرد و روشن‌سازی طرز تلقی؛
- توانایی تخیل خلاقانه با استفاده از روش بدیعه‌پردازی؛
- توانایی تمیز و تشخیص پدیده‌های دیداری و شنیداری.

۲- ایمان، باور و علائق (پذیرش، تعبد و التزام قلبی)

- تأمل در خصوص نیازهای عاطفی و معنوی خویش؛
- باور به هدفدار بودن جهان هستی؛
- نگرش مثبت به مسائل اعتقادی، فرهنگی - تربیتی، ملی، هنری و اجتماعی؛
- ارج‌گذاری به احساسات و عواطف و افکار دیگران؛
- بیان مناسب و مؤثر احساسات، عواطف و افکار خود؛
- ایجاد باور نسبت به جلوه‌های ارزشی انقلاب اسلامی؛
- علاقه به مطالعه نوشته‌ها و قصه‌های ساده و مناسب؛
- علاقه به جنبه‌های زیبایی سخن در گفتار و نوشتار؛
- نگرش مثبت به مشارکت در جمع و همکاری با گروه.

۳- علم (کسب معرفت، شناخت، بصیرت و آگاهی)

- شناخت علایق و استعداد خویش در عرصه ادبیات فارسی؛
- گسترش آشنایی با موضوعات و مفاهیم اعتقادی، ملی، فرهنگی - تربیتی، هنری، اجتماعی و علمی؛
- شناخت نشانه‌ها و معانی مناسب؛
- تعمیق آشنایی با ساختار زبان فارسی معیار؛
- آشنایی با ساختار نظم و نثر و نمونه‌های آن؛
- آشنایی با انواع پاره مهارت‌های خواندن و نگارش؛

- آشنایی مختصر با جلوه‌های هنری زبان؛
- آشنایی با شیوه‌های خواندن و نوشتن؛
- آشنایی با شیوه‌های تفکر و پژوهش؛
- آشنایی با شیوه‌های نگاه کردن، گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن؛
- شناخت علائم صوری انسجام گزاره‌های متن؛
- شناخت برخی از چهره‌های علمی؛
- آشنایی با اهمیت مطالعه و کتاب‌خوانی.

۴- /اخلاق (تزکیه، عاطفه، رشد ملکات نفسانی)

- علاقه به اجرای کارهای خوب گروهی و کسب مهارت‌های اجتماعی؛
- کسب مهارت‌های مقدماتی حوزه ارتباطات و اطلاعات مهارت‌های زبان آموزی؛
- پایبندی به آموزه‌های دینی و ارزشی در کاربست مهارت‌های زبانی؛
- پایبندی به آموزه‌های دینی و ارزشی در رفتارهای فردی و اجتماعی؛
- توجه به ارزش‌های اخلاقی؛
- رعایت الگوی اخلاقی بزرگان دین.

۵- عمل (کار، تلاش، اطاعت، عبادت، مجاهدت، کارآفرینی، مهارت و...)

- مشارکت در کارهای گروهی؛
- خوانش متون همراه با لذت بردن از اشعار و محتوا؛
- کسب مهارت در چهار عرصه خواندن، نوشتن، دیدن و شنیدن؛
- پایبندی به ارزش‌های دینی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی در گفتار و نوشتار؛
- کار و تلاش با روحیه دوستی وطن و دفاع از میهن؛
- توانایی در عمل به آموزه‌های فرهنگی و ادبی مبتنی بر هنجارهای ایرانی - اسلامی؛
- احترام عملی به مفاخر فرهنگی و ادبی؛
- نوشتن متن‌های مناسب؛
- خوب سخن گفتن در جمع بر اساس درک متقابل.

عمومی آن است که مخاطب را از جزئی نگری دور می‌سازد.

با توجه به اهداف تعیین شده در راستای راهبردهای آموزشی زبان‌آموزی، فارسی ششم نیز در دو بخش «فارسی» شامل مهارت‌های شفاهی، ادراکی یا دریافتی زبان و «نگارش» شامل مهارت‌های نگارش و کتبی زبان، در قالب دو کتاب شکل گرفته است.

اگر چه چهار مهارت زبان‌آموزی از دید کنش دانش‌آموز به دو مهارت نیز تقسیم می‌شوند : ۱- «فعال یا تولیدی» سخن گفتن و نوشتن و ۲- مهارت «انفعالی یا ادراکی» شنیدن و خواندن؛ اما موضوع قابل تأمل، در هم تنیدگی و پیوستگی آنهاست که مهارت‌های فرازبانی (تفکر، نقد و تحلیل) را نیز پرورش می‌دهند.

کتاب فارسی ششم شامل ۶ فصل و ۱۷ درس است که دو درس آن به صورت آزاد در نظر گرفته شده است تا معلمان و دانش‌آموزان با توجه به ادبیات بومی منطقه خود، به طراحی آن همت بگذارند.

الف) کتاب فارسی ششم در بخش مهارت‌های خوانداری : تحمیدیه (ستایش) در آغاز کتاب بر زیبایی آن می‌افزاید که ستایش حضرت سبحان را مقدم بر هر کاری می‌داند. در هر فصل، دو یا سه درس بر اساس نگرش شبکه‌ای تدوین شده و حاکم بر فصل است.

در هر فصل، علاوه بر متون درس‌ها، «شعری زیبا» در صفحه‌ای با عنوان «بخوان و حفظ کن» دانش‌آموزان را به دنیای دلنشین و فریبای ادبیات فارسی فرا می‌خواند تا ضمن ایجاد التذاذ روحی، فضای همخوانی و تقویت حافظه ایشان را نیز فراهم آورد. آشنایی با شعر کهن و شعر نو، شناخت شعرای نامی ایران زمین، درک معنایی اشعار و تلطیف علائق دانش‌آموزان از اهداف عمده این بخش است. در انتهای هر شعر، در بخش «خوانش و فهم» دانش‌آموز با پاسخ‌گویی به سؤالات مرتبط با متن شعر، مهارتش را در فهم آن شعر تقویت می‌کند.

علاوه بر شعرخوانی و حفظ آن، حکایتی زیبا، در هر فصل اندیشه پویای دانش‌آموزان را شادابی و طراوت می‌بخشد و پاسخگویی به سؤالات ادراکی و تلفیق محتوای حکایت با ضرب‌المثل‌های متنوع، بینش و رفتار ایشان را به تصویر می‌کشد.

«بخوان و بیندیش» متن پایانی هر فصل است که تقویت مهارت خواندن و موازنه بین متون کهن و نو را در بر دارد. پرداختن به این عنصر سازه‌ای مهم در بهبود مهارت خواندن دانش‌آموزان گام مؤثری است.

در هر درس، دو بخش «درک مطلب» و «دانش زبانی یا واژه‌آموزی» گنجانده شده و در دروس دوم، ششم و دوازدهم فعالیت «گوش کن و بگو» طی فرایند گوش دادن، گفت‌وگو کردن و پاسخگویی

به سؤالات آمده است.

در قسمت «درک مطلب» با طرح سؤالاتی، دانش‌آموزان به ارائه پاسخگویی، که برخاسته از تفکر ایشان درباره محتوای درس است، تشویق می‌شوند. تقویت مهارت سخن گفتن و فن بیان و مشارکت در فعالیت‌های گروهی و مهم‌تر از همه تقویت مهارت درک مطلب دانش‌آموزان، از اهداف این بخش برشمرده می‌شوند. این فعالیت، تعامل بین معلم و دانش‌آموزان را وسعت می‌بخشد و خودارزیابی دانش‌آموز را، نسبت به میزان درک مربی ممکن می‌سازد.

سؤالات این بخش، گفتاری و شفاهی و بی‌نیاز از نوشتن است. در پایان این قسمت سطری در نظر گرفته شده است تا دانش‌آموزان به صورت شفاهی سؤال طرح کنند.

بخش «واژه‌آموزی» مجال و فرصتی برای طرح مباحث مربوط به ساخت کلمه فراهم ساخته است. بخش «دانش‌زبانی و دانش ادبی» نیز حاوی نکات دستوری و زبانی است تا دانش‌آموز، علاوه بر رشد و مهارت‌های زبانی، با نحو زبان فارسی، تفسیر واژه‌ها و تشریح عناصر زبانی آشنا شود.

بخش انتهایی هر فصل، تحت عنوان «کارگاه درس پژوهی»، فعالیتی جذاب و فرصتی عالی برای ایجاد فضای نشاط در گروه فراهم ساخته است. تجسم بخشیدن به آموزه‌های درس، در محیط همدلی گروه اتفاق می‌افتد و دانش‌آموزان با تشریک مساعی، فرایند یادگیری خود را عمق می‌بخشند.

ب) کتاب فارسی ششم در بخش مهارت‌های نوشتاری

بخش اول: «املا و دانش‌زبانی» و «املا و واژه‌آموزی»: هدف از این فعالیت‌ها آشنایی بیشتر و تقویت و تعمیق فرایند یاددهی – یادگیری مبتنی بر آموزه‌های مستقیم درس در قسمت واژه‌آموزی و دانش‌زبانی به صورت یک درمیان است. آنچه در فارسی خواننداری در قسمت واژه‌آموزی و دانش‌زبانی فرا گرفته، خوانده و شنیده‌اند در این بخش به نوشته در می‌آورند و تمرین می‌کنند. فعالیت‌های املائی نیز دانش‌آموز را به تقویت و شناخت دقیق‌تر ساخت نوشتاری، درست‌نویسی، تشخیص نمادهای نوشتاری و مطابقت و همگون‌سازی آوا با شکل خطی نشانه و سرانجام کار بست آنها سوق می‌دهد.

بخش دوم: نگارش: در این بخش، از واژه‌آموزی به واژه‌سازی، ترکیب‌سازی و تبدیل آن به عبارت و جمله می‌رسیم و پس از به کارگیری جمله به نوشته بلندتر یعنی بند یا (پاراگراف) نویسی رومی آوریم.

فعالیت‌های شفاهی درک متن در کتاب فارسی در این بخش در قالب فعالیت‌های متنوع به نوشتار تبدیل می‌شوند.

بخش سوم: کارگاه نویسندگی: این قسمت با هدف فرصت‌سازی دقیق‌تر و سنجیده‌تر همراه با

آموزش و بهره‌گیری از شگردهایی برای پرورش ذهن و تفکر خلاق به هنگام نوشتن، سامان یافته است که خود به اجزای ریزتری بخش می‌شود:

- آموزش یک نکته نگارشی؛
- کاربست آن نکته نگارشی در نوشته؛
- بندنویسی.

در پایان هر فصل در کتاب نگارش بخشی تحت عنوان «هنر و سرگرمی» گنجانده شده است که با توجه به فضای کلاس درس و علاقه‌مندی دانش‌آموزان، آنها را با رویکردی شادی بخش در کلاس به صورت فردی یا گروهی قرائت کند. همچنین فعالیت درک متن پایان هر فصل، تمرین و تثبیت فرایند درک مطلب و بهبود سواد خوانداری را برای دانش‌آموزان تکمیل می‌کند.

نمای ساختار و محتوای کتاب فارسی ششم دبستان

فصل ۱ آفرینش	فصل ۲ دانایی و هوشیاری	فصل ۳ ایران من	فصل ۴ نام آوران	فصل ۵ راه زندگی	فصل ۶ علم و عمل
ستایش درس ۱: معرفت آفریدگار	درس ۳: هوشیاری	درس ۶: ای وطن	درس ۹: رنج‌هایی کشیده‌ام که میرس	درس ۱۲: دوستی	درس ۱۵: میوه هنر
حکایت: محبت	بخوان و حفظ کن: سخن	حکایت	بخوان و حفظ کن: باران	بخوان و حفظ کن: شیر خدا	حکایت: افلاطون و مرد جاهل
درس ۲: پنجره‌های شناخت	درس ۴: داستان من و شما	درس ۷: آزاد	درس ۱۰: عطار و جلال‌الدین محمد	درس ۱۳: آزاد	درس ۱۶: آداب مطالعه
بخوان و حفظ کن: ای مادر عزیز	حکایت: علم و عمل	بخوان و حفظ کن: وطن	حکایت: درخت علم	حکایت: عمرگران‌مایه	بخوان و حفظ کن: به گیتی به از راستی پیشه نیست
بخوان و بیندیش هدهد	درس ۵: هفت خان رستم	درس ۸: درباقلی	درس ۱۱: شهدا خورشیدند	درس ۱۴: راز زندگی	درس ۱۷: ستاره روشن
کارگاه درس پژوهی	بخوان و بیندیش دوستان همدل	کارگاه درس پژوهی	بخوان و بیندیش بوعلی و بهمنیار	کارگاه درس پژوهی	بخوان و بیندیش آوای گنجشکان
	کارگاه درس پژوهی	بخوان و بیندیش تندگویان	کارگاه درس پژوهی	بخوان و بیندیش پیاده و سوار	کارگاه درس پژوهی

نمای ساختار و محتوای کتاب نگارش ششم دبستان

بخش اول	بخش دوم	بخش سوم	پایان هر فصل	پایان هر فصل	پایان هر فصل
فعالیت‌های املائی، دانش‌زبانی و واژه‌آموزی	فعالیت‌های کتاب نگارش	کارگاه نویسندگی	هنر و سرگرمی	درک متن	
هدف : سنجش درست‌نویسی و آموزه‌های زبانی	هدف : پرورش توانایی آفرینش نوشتاری	هدف : تقویت نگارش خلاق	هدف : یادگیری و مرور آموخته‌ها	هدف : تقویت مهارت درک مطلب	

جدول پیشنهادی بودجه‌بندی کتاب فارسی ششم

ماه	نیمه اول	نیمه دوم
مهر	ستایش و درس ۱- معرفت کردگار	درس ۲- پنجره‌های شناخت
آبان	باز تمرین و تکمیل فعالیت‌های فصل اول درس ۳- هوشیاری	درس ۴- داستان من و شما درس ۵- هفت خان
آذر	باز تمرین و تکمیل فعالیت‌های فصل دوم درس ۶- ای وطن	درس ۷- درس آزاد درس ۸- دریاقلی
دی	باز تمرین و تکمیل فعالیت‌های فصل سوم درس ۹- رنج‌هایی کشیده ام که می‌پرس	دوره و تثبیت و تعمیق مطالب درسی
بهمن	درس ۱۰- عطار و جلال‌الدین درس ۱۱- شهدا خورشیدند	باز تمرین و تکمیل فعالیت‌های فصل چهارم درس ۱۲- دوستی
اسفند	درس ۱۳- آزاد درس ۱۴- راز زندگی	باز تمرین و تکمیل فعالیت‌های فصل پنجم درس ۱۵- میوه هنر
فروردین	-	درس ۱۶- آداب مطالعه
اردیبهشت	درس ۱۷- ستاره روشن باز تمرین و تکمیل فعالیت‌های فصل ششم	مرور آموختنی‌ها و جمع‌بندی نهایی

ساعات آموزش فارسی پایه ششم در هفته	۵ ساعت (۵ جلسه ۵۰ دقیقه‌ای)
تعداد جلسات اختصاصی آموزش هر درس	۷ تا ۱۰ جلسه

مهارت‌های زبان آموزی در کتاب فارسی ششم

۱- خواندن/ خوانش (مهارت‌های خوانداری):

«متن درس»، «دانش زبانی»، «واژه آموزی»، «درک متن»، «درک و دریافت» و «خوانش و فهم»:

خواندن یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زبانی است که در دوره ابتدایی به طور خاص مورد توجه قرار گرفته است. اولین سطح خواندن روخوانی است. روخوانی نیز خود سطوحی دارد که گام اول آن خواندن درست و روان یک متن است. گام بعدی در روخوانی، رعایت لحن و آهنگ متن، با توجه به شرایط موجود و متناسب با فضای حاکم بر متن است. در کلاس‌های درس معمولاً به روخوانی صحیح متن پرداخته می‌شود، اما توجه به لحن و آهنگ آن مغفول می‌ماند. خواندن زیبا مانند دمیدن روح بر پیکره بی‌جان متن است. در صورتی که متن با لحن مناسب خوانده نشود، زنده نیست و برای دانش‌آموزان جذابیتی نخواهد داشت.

سطح دوم خواندن، درک متن است که در یک فرایند گام به گام، این مهارت در دانش‌آموزان تقویت می‌شود. گام‌های فرایند درک خوانداری از طریق مراحل زیر طی می‌گردد. البته نیازی به آموختن این سطوح به دانش‌آموزان نیست و این مطالب ویژه معلمان است.

تقویت تمرکز خوانداری و ایجاد عادت صامت خوانی؛

● سطح ۱: دیده، خوانده و شنیده گویی (درک اولیه)

● سطح ۲: معنایابی (استنباط)

● سطح ۳: برهم نهی (تلفیق)

● سطح ۴: معنا سازی (تفسیر)

برای درک بیشتر مفاهیم یاد شده، هر یک را با نمونه، توضیح می‌دهیم:

درک / اولیه: درک در لغت به معنای دریافتن، پی بردن و دریافت است (فرهنگ معین). خواست

ما از درک اولیه، دریافت دانش و خبرهایی است که آشکارا در متن بیان شده است. مقصود از

«دیده و شنیده گویی» بازگفتن چیزهایی است که در متن دیده‌ایم یا از متن شنیده‌ایم؛ یعنی بیان دیده‌ها و شنیده‌ها، بی کم و کاست؛ مثلاً در درس آمده است «هفت خان نام هفت مرحله از نبردهای رستم است»، و از خواننده پرسیده می‌شود «هفت خان چیست؟». خواننده، اگر هنگام خواندن متن، اندکی تمرکز داشته باشد، می‌تواند به سؤال پاسخ دهد. در این صورت می‌گوییم او دانش آشکار و دیده شده متن را درک کرده است.

استنباط: استنباط در لغت به معنای در آوردن، بیرون کشیدن، دریافت معنی و مفهوم بر اثر تیزهوشی و استخراج حقایق است (فرهنگ معین). درک این سطح گام، از درک اولیه اطلاعات متن، فراتر است. قصد از رسیدن به استنباط، درک مطالبی است که به طور آشکار در متن بیان نشده است، بلکه خواننده با توجه به نشانه‌ها و سرنخ‌هایی که در متن آمده است و دانسته‌های پیشین خود درباره جهان پیرامونش، می‌تواند بفهمد.

برای نمونه، وقتی در متن آمده است «صدای خش‌خش برگ‌ها در زیر پایش شنیده می‌شد...»، و از خواننده پرسیده می‌شود «داستان متن در چه فصلی اتفاق افتاده است؟». در اینجا کلمه پاییز، آشکارا در متن نیامده است و خواننده با توجه به صدای خش‌خش برگ‌ها و با توجه به شناختی که از پیش نسبت به فصل پاییز دارد، می‌تواند به معنا و مقصود پرسنده و استنباط از متن برسد. این گونه سؤال‌ها ابتدایی‌ترین سطح درک است اما در سطوح پیشرفته‌تر سؤال‌های ادراکی دشوارتر می‌شود و به دقت و دانش قبلی بیشتری نیاز دارد.

تلفیق: تلفیق در واژه به معنای با هم آوردن، به هم بستن، مرتب کردن، آراستن و برهم نهادن است (فرهنگ معین). منظور از این سطح، کنار هم گذاشتن، برهم نهادن و آراستن همه اطلاعات متن و نتیجه‌گیری کردن است. بهترین مثال برای سؤال‌های تلفیق اطلاعات متن، درک سیر رویدادهای متن است. وقتی خواننده متنی را می‌خواند، باید رخداد‌های آن را به خاطر بسپارد. در این صورت می‌تواند مطالب را با هم تلفیق کند.

برای سنجش این موضوع، رویدادهای متن به صورت به هم ریخته در اختیار خواننده قرار می‌گیرد و از او خواسته می‌شود طبق ترتیب رویدادهای متن، جمله‌ها را شماره‌گذاری کند. گونه دیگر از پرسش‌های این سطح به این صورت است که مثلاً در متن یک داستان، دو شخصیت وجود دارد که از خواننده خواسته می‌شود، دو شخصیت را با هم مقایسه کند.

تفسیر: تفسیر در لغت به معنای هویدا کردن، شرح و گزارش کردن و بیان حقیقت معنا و مراد است (فرهنگ معین). این مرحله، در حقیقت، ترکیبی از سطح ۲ و ۳ (تلفیق اطلاعات متن با استنباط) است. در واقع خواننده به این توانایی می‌رسد که تمام اطلاعات و یافته‌های از متن را با هم تلفیق کند، سپس آنها

را با دانش پیشین خود درباره جهان پیرامونش، در آمیزد و بدین سان، به جمع بندی آموخته ها برسد، تا در پی آن معنای تازه ای از محتوای متن خوانده شده را، بر حسب توانایی ادراکی خویش بسازد.

توجه: سؤال های استنباطی، تلفیقی و تفسیری انعطاف بیشتری دارند و هر دانش آموز به فراخور درک و دریافت خود می تواند پاسخ صحیح دهد، اما به این معنی نیست که به تعداد دانش آموزان پاسخ وجود دارد.

تحقیقات حاکی از آن است که بسیاری از دانش آموزان از مهارت روخوانی برخوردارند و متن را با صدای بلند، روان و صحیح می خوانند، اما در بازیابی اطلاعات متن و تعبیر و تلفیق مطالب، عملکرد ضعیفی دارند. پیامد این درک ضعیف متن، در تمامی دروس، نمود خواهد یافت. دانش آموز، مسئله ریاضی را می خواند، اما درک نمی کند که مسئله از او چه خواسته است، از این رو، در حل آن، دچار مشکل می شود. یا هنگامی که دانش آموز نمی تواند مطالب مطرح شده در کتاب درسی علوم را درک کند، آنها را حفظ می کند؛ و طبیعی ست که اندکی پس از امتحان، مطالب حفظ شده را فراموش خواهد کرد. این امر موجب می گردد که دانش آموز از همان دوره ابتدایی عادت کند که فقط به مهارت کسب دانش، آن هم به صورت سطحی، بسنده کند و به مهارت اندیشیدن دست نیابد. از سوی دیگر، زمانی که اندیشیدن و خلاقیت در امر یادگیری، نادیده گرفته شود، این فرایند به تدریج خسته کننده و کسالت آور خواهد شد. در حالی که اگر دانش آموزان بتوانند انواع متون را به صورت هدفمند و همراه با درک و آگاهی بخوانند، از کسب دانش، فراتر خواهند رفت و یادگیری برای آنها، پویا و لذت بخش خواهد شد و توانایی استدلال و تولید علم را کسب خواهند کرد.

کتاب فارسی ششم برای تقویت توانایی ادراکی زبان آموزان، نگاه ویژه ای به درک متن دارد. در فعالیت «درک مطلب» به آموزش درک متن می پردازد. همچنین صامت خوانی متن های «بخوان و بیندیش» و پاسخ به سؤال های «درک و دریافت» در انتهای آنها، به ایجاد عادت صامت خوانی و تقویت تمرکز در روخوانی، کمک ویژه ای می کند. در انتهای هر متن شعر نیز، سؤالات «روخوانی و فهم» آمده است. موضوع درک متن در یک فرایند گام به گام، طراح شده و عناصر کتاب بر نظامی استوار سازمان یافته است. سؤال های «درک مطلب»، «درک و دریافت» و «خواندن و فهم» با توجه به سطوح درک متن، طراح شده اند.

توانایی خواندن متون، مهارتی است که اولیا و مربیان کودکان، از بدو ورود آنان به مدرسه، به آن علاقه و توجه دارند. به واقع در مدرسه است که دانش آموز با متن، به عنوان گونه ای دیگر از زبان یعنی زبان نوشتاری، آشنا می گردد. اما هدف آموزش این مهارت به دانش آموز چیست؟ یکی از پاسخ های متداول این است که می خواهیم به دانش آموز سواد بیاموزیم. در واقع، سواد از نظر

بسیاری ادای درست کلمات در سخن گفتن و یافتن معنای مراد نویسنده در نوشته است در حالی که در آموزش انتقادی و در ذهنیت طرفداران آن، نظر دیگری وجود دارد. از نظر اینان، هدف آموزش آن است که خواننده بتواند، در خواندن متن، ویژگی‌ها، ساختار و اهداف آن را بیابد. چنین آموزشی به کسب سواد انتقادی منجر می‌شود، که ناظر بر جوانب اعتقادی، فرهنگی و هنری و ... متن است. اهمیت نظام آموزش انتقادی، در دوره‌های بالاتر مانند دبیرستان و دانشگاه، نمایان‌تر می‌گردد. از آنجا که در آن دوره‌ها تأکید بر درست خوانی و روان خوانی منتفی است، راحت‌تر می‌توان مهارت خواندن را با تفکر انتقادی همسو ساخت. تفکر انتقادی که جزء لاینفک آموزش انتقادی است به تفکری گفته می‌شود که هدفمند و منطقی در تصمیم‌گیری‌ها به ما کمک می‌کند.

واژه آموزشی: این بخش، با هدف گسترش و تقویت دامنه لغات پایه دانش‌آموزان و آشنایی آنان با شیوه‌های واژه‌سازی در زبان فارسی معیار، سازماندهی شد. این کار به رشد توانایی‌های زبانی کمک می‌کند. گسترش دامنه واژه‌های دانش‌آموزان در درک خوانداری و شنیداری و نیز مهارت در سخن گفتن و نوشتن، نمود می‌یابد. در این بخش ارائه مطالب از آسان به مشکل و با توجه به بسامد فرایند واژه‌سازی است.

واژه آموزشی کتاب فارسی ششم		
شماره درس	نام درس	موضوع
درس دوم	پنجره‌های شناخت	کلمات هم خانواده
درس چهارم	داستان من و شما	نشانه جمع «ان»
درس نهم	رنج‌هایی کشیده‌ام که می‌رس	واژه نامه
درس دوازدهم	دوستی	واژه‌های امروزی
درس شانزدهم	آداب مطالعه	واژه خوان/خوانی

دانش زبانی و دانش ادبی

دانش زبانی و دانش ادبی فارسی ششم		
شماره درس	نام درس	موضوع
درس اول	معرفت آفریدگار	تغییر اجزای جمله
درس سوم	هوشیاری	کلمه‌های چندبخشی
درس پنجم	هفت خان رستم	آرایه‌های ادبی
درس ششم	ای وطن	منادا
درس هشتم	دریاقلی	نشانه‌های نگارشی
درس دهم	عطار و جلال الدین	انواع شعر
درس یازدهم	شهدا خورشیدند	تشبیه
درس چهاردهم	راز زندگی	شخصیت بخشی و مناظره
درس پانزدهم	میوه هنر	شبه جمله
درس هفدهم	ستاره روشن	بهره گیری از کلمات مخالف، با هدف زیبانویسی

۲- مهارت گوش دادن و تربیت سواد شنیداری: گوش کن و بگو

درک شنیداری، پیش‌نیاز درک خوانداری است، به همین سبب، لازم است در دوره ابتدایی مورد توجه ویژه قرار گیرد. در کتاب فارسی سوم، فعالیت «گوش کن و بگو» از درس یازدهم، برای پرورش تمرکز شنیداری و درک پیام اصلی و دقت در جزئیات متن طراحی شد؛ اما در فارسی چهارم از درس اول فعالیت‌هایی طراحی شده است که موجب تقویت تمرکز و درک شنیداری دانش‌آموزان می‌شود. این فعالیت‌ها سبب می‌شود مهارت شنیداری در یک فرایند سنجیده، به دانش‌آموزان آموزش داده شود. این فرایند به صورت درهم تنیده با دیگر مهارت‌ها در پایه پنجم به صورت توسعه یافته، تقویت می‌شود و در فارسی ششم تکمیل می‌گردد.

پرورش و تقویت «سواد شنیداری»، اصلی‌ترین هدف این بخش است. مقصود ما از سواد شنیداری، دریافت و کسب دانش و اطلاعات از راه گوش دادن هدفمند است؛ آگاهی‌هایی که از راه دریچه‌های

گوش و توانایی خوب گوش دادن، حاصل می‌شود.

خوب شنیدن هم مانند دیگر مهارت‌ها، به پرورش و مراقبت نیاز دارد. به همین سبب، ما از واژه «تربیت» در اینجا بهره گرفته‌ایم؛ یعنی مهارت خوب گوش دادن و از راه گوش، ذهن و زبان را پروردن، گام‌ها و مراحل دارد تا مبتنی بر برنامه و اهداف زبان آموزی تربیت گردد و به رشد مؤثری برسد. اگر تربیت شنیداری، درست اتفاق بیفتد؛ درک شنیداری هم در پی آن، حاصل خواهد شد.

فرایند مهارت گوش دادن فعال و رسیدن به ادراک شنیداری عبارت‌اند از:

گام اول: تمرکز شنیداری: دانش‌آموزان با تمرکز کافی به متن شنیداری گوش بدهند.

گام دوم: درک شنیداری: اطلاعات آشکار متن شنیداری را درک کنند.

گام سوم: تشخیص و یادسپاری: سیر رویدادهای متن شنیداری را تشخیص دهند و به یادسپارند.

گام چهارم: برهم نهی یا تلفیق: اطلاعات متن شنیداری را تلفیق کنند.

گام پنجم: کشف و معناسازی: اطلاعات متن شنیداری را تفسیر کنند.

در اجرای این فعالیت‌ها، متن شنیداری برای دانش‌آموزان پخش می‌شود، آنها با دقت گوش می‌کنند و به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ می‌دهند. دانش‌آموزان نباید متن یاد شده را قبلاً دیده یا شنیده باشند. به همین سبب، این متن‌ها در کتاب درسی نیامده است. معلمان گرامی لازم است توجه داشته باشند اگر کلاس آنها کار افزارهای پخش متن شنیداری را ندارد یا لوح فشرده متن‌های شنیداری دریافت نشده، این فعالیت را رها نکنند. خودشان متن را بخوانند یا یکی از دانش‌آموزان که در خواندن، تسلط کافی دارد، متن را بخواند.

در اجرای فعالیت‌ها، لازم است دانش‌آموزان با دقت به متن شنیداری گوش دهند. این کار، حافظه شنیداری آنان را رشد می‌دهد و قدرت تصویرسازی‌های ذهنی دانش‌آموزان را می‌پروراند. پس از این پویه‌های ذهنی، می‌توانند به پرسش‌های مربوط به آن متن، پاسخ دهند.

قصه‌های گوش کن و بگو	
درس دوم	قصه رفتار نیکان
درس ششم	قصه حماسه هرمز
درس دوازدهم	قصه یک قطره عسل

۳- مهارت سخن گفتن : توانایی خوب سخن گفتن، عامل مهمی در رشد و شکوفایی فکری به شمار می‌آید. از این رو، نیکو گفتاری و پرورش فن بیان، در فرهنگ و آموزه‌های ما بسیار با اهمیت است. خداوند، در قرآن مجید می‌فرماید :

« قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ... به بندگانم بگو که سخن بهتر را به زبان آورند... (سوره اسرا، آیه ۵۳) »

آموزش سخن گفتن و پرورش « فن بیان » با برنامه‌ای مشخص از کتاب فارسی سوم ابتدایی، آغاز گردید. فعالیت‌های فارسی چهارم در تکمیل مهارت سخن گفتن، طراحای ویژه‌ای داشت و اکنون در پایه پنجم همین مهارت، تداوم و توسعه می‌یابد.

در فارسی سوم آموزش با فعالیت تصویری «نگاه کن و بگو» آغاز می‌شد. تصاویر به گونه‌ای انتخاب شده بودند که به کمک آنها موضوع در ذهن دانش‌آموز طبقه‌بندی شود و منسجم سخن بگوید. در اواسط کتاب، فعالیت «صندلی صمیمیت» جایگزین «نگاه کن و بگو» شده بود و در واقع آموزش سخن گفتن از این پس یک گام ارتقا یافته است و دانش‌آموز تنها با یک موضوع، بدون ارائه تصویر، سخن می‌گوید. این فعالیت، سخن گفتن منسجم و پیوسته به موضوع را آموزش می‌دهد و تمرینی برای سخن گفتن مناسب در برابر جمع است و فن بیان را در کودکان پرورش می‌دهد. بانظم و ترتیب و اندیشیده سخن گفتن، پیش درآمد درست‌نویسی و نوشته خلاق است.

در کتاب فارسی چهارم، فعالیت صندلی صمیمیت با دو عنوان «تصویرخوانی و صندلی صمیمیت» و «قصه‌گویی و صندلی صمیمیت» به چشم می‌خورد. همچنین است در کتاب فارسی پنجم، فعالیت‌هایی تحت عنوان «تصویرخوانی و صندلی صمیمیت» و «شعر خوانی و صندلی صمیمیت». اما در فارسی ششم فعالیت خاصی در نظر گرفته نشده است، انتظار می‌رود دانش‌آموزان این پایه (ششم) که در مهارت سخن گفتن به سطح قابل قبولی رسیده‌اند از این مهارت در تکوین مهارت‌های دیگر بهره‌گیری کنند.

۴- مهارت نوشتن : «املا و واژه‌آموزی»، «املا و دانش زبانی»، «درک متن»، «نگارش»، «کارگاه نویسندگی» :

پس از تولید شفاهی زبان که فرصت آن در کتاب فارسی برای دانش‌آموزان فراهم شده، تولید کتبی در قالب فعالیت‌هایی متنوع در کتاب نگارش صورت می‌گیرد.

فعالیت‌های بخش نگارش در پایه ششم:

ساختن متن با کلمات، ادامه دادن داستان در یک بند، کامل کردن متن با استفاده از حروف ربط و اضافه، تحقیق و گزارش نویسی در بندهای کوتاه، خلاصه کردن داستان و انتخاب نام برای آن، پرکردن جای خالی در جملات، بازنویسی شعر به نثر ساده، خاطره نویسی، ساختن متن معنی دار با جملات پراکنده و توصیف تصویر.

فعالیت‌های کارگاه نویسندگی در پایه ششم:

تولید متن توصیفی، استفاده از آرایه‌های ادبی در متن، پرهیز از کلمات شکسته و محاوره‌ای در نوشتار، توضیح مثل‌ها، گسترش دامنه واژه‌ها، شرح حال نویسی، ساده نویسی، بهره‌گیری از حواس پنج‌گانه در نوشتن، مقایسه، تهیه روزنامه دیواری، گزارش نویسی، خاطره نویسی، خلاصه نویسی، بازسازی وقایع و رویدادها، لطیفه نویسی، طنز نویسی و ...

داشتن آموزان در سال‌های قبل بندنویسی را فرا گرفتند و در نگارش متن خود از آن استفاده می‌کنند. درک متن‌های خواننده و نوشته شده نیز به بهبود قرائت صحیح و توسعه مهارت درک متن می‌انجامد. فعالیت‌های املایی نیز در کنار املای تقریری به این مهارت کمک می‌کنند. مهارت نوشتن به نویسنده، امکان می‌دهد تا پس از تفکر و تأمل، نوشته‌های خود را بازنگری و ویرایش کند. نویسنده هرچه در به کارگیری ضوابط و هنجارهای نگارشی توانا تر باشد، منسجم‌تر خواهد نوشت.

نوشتن، سطوحی دارد. املایی یکی از سطوح مقدماتی آن است. املا خود شامل مراحل است که از آن جمله می‌توان به نوشتن درست نشانه‌ها، توانایی تبدیل نشانه‌های آوایی به نوشتاری و توانایی خوانا و زیبانویسی اشاره کرد. رونویسی، غیرفعال است اما املا که از آن پیشرفته‌تر و با ارزش‌تر است، همچنان مورد توجه بوده و هست.

سطح دیگر نوشتن، نگارش و انشاست، آموزش نگارش در پایه سوم ابتدایی با بندنویسی شروع شد و در فارسی چهارم با ساختار بند و گونه‌های بند (روایی و توصیفی)، تداوم یافت. در فارسی پایه پنجم، با تکیه به آن آموخته‌ها، به توانایی نگارش و رسیدن به نوشتن خلاق بیشتر توجه شده و آنچه مهم است، کمک به قدرت آفرینشگری و پرورش این توانایی است؛ از این‌رو از اینکه ذهن دانش‌آموزان قالبی باریابد و ساختار نوشته سد راهشان شود آگاهانه پرهیز شده است تا در پایه ششم قادر شوند با شناخت لازم، در نوشتن مهارت کسب کنند.

آموزش مهارت نوشتن و نوشتن خلاق به هدایت و نظارت علمی و آموزشی آموزگاران محترم، وابسته است. کاراترین راهبرد در پیشبرد سطح دانش آموزان در تقویت توانایی انشانویسی، ورزش های ذهنی - زبانی و تجربه های قلمی ساده آنان است. باید برای آفرینش ذهن و بارش مغزی، فرصت ایجاد کنیم و بگذاریم فراگیران بی دغدغه ساختار و قالب، بنویسند.

در ادامه، متنی با عنوان «بوی خوش کلمات» نوشته دکتر فریدون اکبری شیلدره، می آید. در این درس، نویسنده کوشیده است همسو با رویکرد مهارتی موضوع نوشتن و انشا را با نگاهی تازه تبیین کند:

نگاهی فلسفی به انشا: هنگامی که از «انشا» می گوئیم و می نویسیم، به پهنه ای گام نهاده ایم که بوی تازگی و زایش و شکفتگی بر سرآورده ذهن و زبان و خیال، عطرانگیز و فراگیر می شود. ذهن های فربه شده و آبدستن از معانی، آماده بارآوری و زاینده گی می شوند. ساعت انشا، همچون بهار در میان فصل های روزگار، سر از خاک خموشی برآوردن و جان گرفتن و جوهره بستن و غنچه دادن و شکوفا شدن است. آنچه بهار با درختان و دنیای بیرون می کند، انشا با جان و دنیای درون ما می کند. در فصل بهار، از میان سنگلاخ و زمین سخت، جویبار گوارا روان می شود، هنگام انشا نیز تبلرزه های فکر و خیال سنگواره های ذهن را می شکافد و جوی زلال واژه های تر و تازه و نوباوه های آسمان زبان، تراویدن می گیرد. بهار فصل نغز بازی های روزگار و شگفت کاری های پروردگار است. زنگ انشا نیز لحظه آفرینش و گزینش و چینش نوآمدگان زبانی است، بازگاه فکر و خیال و وهم و گمان، و زمان ناز پروردن حواس جسم و جان است.

بوییدن واژه ها: یک معنای کلمه «انشا» بوی چیزی را یافتن و بوییدن است (دهخدا). به گمانم لطیف ترین، نازک ترین و خیال انگیزترین تعریفی که می توانم از این مفهوم برای انشا به دست دهم این باشد که «انشا ادراک بوی و خوی واژه ها و مهندسی ذهن و زبان و کاربست آن به فراخور توش و توان است.»

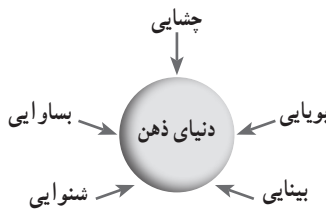
اگر زبان پژوهان بر این باورند که انشا، زبان پدیده ای زنده و زایاست، پس بیراه نخواهد بود اگر ما نیز بر این باور باشیم که هر یک از عناصر سازه ای و اندامگانی زبان نیز، همچون واژه ها، بوی و خوی و رنگ و نشانی داشته باشند، واژه ها برای خود «آن» و «جان» و نشانی دارند، برخی طربناک و آتش انگیزند و برخی بویناک و شرخیز.

البته، واژه را به حس دریافتن و بوی بردن از جان و جوهر آن، کار هرکس نیست، رسیدن به این

توانایی و ادراک مهندسی الفاظ زبان، سال‌ها تمرین، تکرار، خواندن آثار و نوشتن می‌خواهد. از این رو، ما بر این باوریم که آنچه در زنگ نوشتن در مدارس باید رخ دهد آموزش، پرورش و تقویت توانایی خوب دیدن، خوب گوش دادن، خوب بوی بردن، خوب حس کردن، درست اندیشیدن، فکر را در چهارچوب و قفس لغات و عبارات زبان در کشیدن، تبدیل گفتار به نوشتار و سرانجام تولید نوشته به هنجار است. به بیان دیگر، راه رسیدن به مهارت خوب نوشتن، سه شاخه و نه گام دارد. این شاخه‌ها و گام‌ها، نردبان بیست و هفت سطحی را پیش روی فراگیران و آموزش دهندگان پدیدار می‌سازد.

پس از پیمودن این نردبان، فربه‌سازی ذهن و زبان، چشم و گوش و حس و هوش در ایجاد توانایی و مهارت نویسندگی بسیار کارا و اثر گذارند.

درهای ادراکی، انشاهای الهی: خداوند حکیم در پیکره آدمیان، درهایی گنجانده است که دنیای درون را تر و تازه و شاداب نگه می‌دارند. این درها یا دریچه‌ها مانند رودهایی هستند که به سوی اقیانوس جان و جوهره آدمی و دنیای درون او جاری می‌شوند. این درها یا رودها به دو دسته بخش پذیرند: برونی و درونی.



درهای برونی همان حسن‌های ظاهری ما هستند.

این پنج در برونی، حواس ظاهری و راه‌های ادراک و دریافت ما هستند، یعنی رگه‌های آب شور و شیرینی که در این رودها جاری می‌شوند به اقیانوس درون و دنیای ذهن ما جاری می‌شوند و این اقیانوس را سرشار و پرمایه می‌سازند.

به بیان دیگر، در قلمرو آموزش و فرایند یاددهی – یادگیری، هر یک از این پنج حس، ابزارها و راه‌هایی هستند که به یاد گیرنده یاری می‌رسانند و دانش‌ها و آگاهی‌هایی از پدیده‌های پیرامونی را به جهان ذهن وی سرازیر می‌کنند و او را به شناخت می‌رسانند.

این درهای ادراکی، انشاهای خداوند در آفرینش است. در آیه ۷۸ سوره مؤمنون آمده است: «و هو الذی أنشأ لکم السَّمْعَ والأَبْصارَ والأَفْئِدَه».

وظیفه اصلی و کار ما در آموزش، تحریک، گشایش و پرورش هر یک از این توانایی‌ها (دیدن، چشیدن، بوییدن و...) است. هر چه این حواس، پرورده‌تر، تیزتر و بویاتر باشند، میزان درک و دریافت و خلق و آفرینش آنها بیشتر است.

درهای درونی همان حواس باطنی ما هستند که آفریدگار حکیم در وجود ما نهاده است، این پنج حس درون عبارت‌اند از :

- ۱- **در/کات مشترک** : چیزهایی که حواس باطنی و حواس ظاهری مشترکاً دریافت می‌کنند.
- ۲- **خیال** : صورت‌هایی را که حس مشترک دریافت کرده است، در خود نگاه می‌دارد و مانند گنجینه‌ای برای حس مشترک است و صورت‌های ذهنی یا تصور جزئی اشیا محسوب می‌شود.
- ۳- **وهم** : ادارک معانی جزئی است که به محسوسات ارتباط دارد ولی با حواس ظاهری دریافت نمی‌شود، مثل دوستی و نفرت.
- ۴- **حافظه** : حسی است که حوادث و مطالب گوناگون را از قوه وهم در خود نگاه می‌دارد. از این رو، گنجینه و خزانه وهم و نگه دارنده صورت‌های قوه واهمه و معانی جزئی است، همچنان که خیال، خزانه حس مشترک است.
- ۵- **متصرفه** : این حس، دو خزانه خیال و حافظه را بررسی می‌کند و از آن دو گنجینه، دست به انتخاب و گزینش می‌زند. کار حس متصرفه، در اصل ترکیب و تحلیل و بازشناسی صورت‌های موجود در خزانه خیال و معانی موجود در گنجینه حافظه است.



پس ساعت انشا، مجالی است برای تلاش در گشودن چشم‌های درون و بیرون و فراخ‌تر کردن گستره بینایی هر یک.

توضیح بیشتر اینکه دنیای درون و عالم باطن آدمیان، مانند اقیانوس است و پنج رود فراورده‌های خود را از بیرون به این اقیانوس سرازیر می‌کنند، که همان پنج حس بیرونی است. پس از این مرحله، پنج فرایند در باطن خود این اقیانوس روی می‌دهد تا پدیده‌های دریافتی از راه حواس ظاهری، در جان و جوهره این اقیانوس عظیم، ساری و جاری شوند. پس از پویه‌ها و فرایند درونی سازی است که گوهر و مروارید و صدف و خَرَف پدیدار می‌شوند.

به دیگر سخن، دانش آموز و یاد گیرنده از راه حواس ظاهری، تصاویر، دانش‌ها، واژه‌ها و دیگر تأثیرات حواس را از پیرامون و از درس و بحث و کلاس می‌گیرد و به دنیای ذهن می‌سپارد. به دنبال آن، تلاش‌های ذهنی آغاز می‌شود و آموخته‌ها را از هر یک از صافی‌های باطنی (حس مشترک و خیال و...) می‌گذرانند و پس از این گام‌هاست که دست به تولید و خلق و آفرینش و انشا می‌زند، و اینجاست که در این فراز و فرودهای عالم درون، یادگیری واقعی و تأثیرگذار و مانا اتفاق می‌افتد. تولید و برون داد تلاش‌های ذهن و سست و داد حواس ظاهر و باطن، یا در قالب کلام و گفتار پدیدار می‌شود یا در پیکره نوشتار نمایان می‌گردد و بر بنیاد انواع حواس ظاهر و باطن می‌تواند، گونه‌هایی داشته باشد مثلاً نوشته و همی/ خیالی و...

برپایه آنچه نوشته شد، انشا تولید و آفرینشی است که به آموزش گام‌های فراوان و پرورش هر یک از آنها بستگی دارد. بنابراین، لایه‌ها و سطوح بسیاری از ساده تا پیچیده و درهم تنیده را در برمی‌گیرد. در آموزش رسمی برای پرورش نوشتن باید، با توجه و تکیه بر حواس ظاهری، گام‌های اولیه و ساده را برداشت.

این نوشته را با پرسشی به فرجام می‌برم تا ذهنتان را بر صلیب سؤال، آونگ سازم، شاید از خیال و حافظه شما آموزگار گرامی، نوباوه‌ای برآید و همه ما را به کار آید و آن اینکه:

*** «در آموزش انشا، به حواس درونی فراگیران چقدر توجه و تکیه دارید و برای پویایی و چالاک‌سازی درونی چه میزان فرصت ایجاد می‌کنید؟»**

۵- مهارت‌های فرا زبانی «تفکر»: در آموزش‌های نوین، بر پرورش تفکر و خردمندی و تعقل، بسیار تأکید می‌شود و فراگیران را، از تقلید و تکرار مطالب، بدون درک صحیح آنها، برحذر می‌دارند. حضرت علی (ع) در زمینه اهمیت «درک و فهم» می‌فرماید: «ارزش درک و فهم یک مطلب به مراتب بهتر از تکرار و خواندن آن است».

علامه محمدتقی جعفری درباره نقش «تعقل» در تربیت اسلامی و اهمیت آن در قرآن کریم می‌گوید: «این ماده در قرآن مجید با عبارات گوناگون مؤکداً مورد تذکر قرار گرفته است. با کلمه «تفکر» در ۱۶ آیه، با کلمه «عقل» در ۴۹ آیه، با کلمه «لُب» به معنای عقل ناب و تعقل عمیق، در ۱۶ آیه».

همچنین در اهمیت تعقل و تفکر، در اسلام آمده است: ساعتی تفکر، بالاتر از هفتاد سال عبادت است. استاد شهید مطهری نیز اشاره می‌کند، علم افراد ممکن است دو گونه باشد: دانسته‌هایی که فرد حفظ کرده «علم مسموع» و دانسته‌هایی که حاصل تجربه و تحلیل فکری است، «علم مطبوع».

برنامه آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی نیز به تفکر، خردمندی و بهره‌گیری از نیروی عقل در موقعیت‌های اجتماعی و شرایط زندگی به عنوان مهارت‌های فرازبانی، توجهی ویژه دارد و با همین رویکرد به تدوین محتوا پرداخته است؛ تازمینه مناسب برای رشد این شایستگی در دانش‌آموزان فراهم آید.

معلمان باید در طراحی آموزشی خود به ویژه در درس فارسی، دانش‌آموزان را به تفکر مداری و دوری از حافظه محوری ترغیب کنند و فعالیت‌های تفکرمحور را، با رویکرد حل مسئله، در متن فعالیت آموزشی خود بگنجانند.

هنگامی که از مهارت‌های زبانی با عناوین مختلف، از جمله مهارت‌های اصلی، فرازبانی، پایه و چهارگانه سخن به میان می‌آید، به ترتیب و توالی آنها، که عمدتاً به صورت گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن است، تأکید می‌شود.

اگرچه هم‌زمان با پیدایش شیوه‌های آموزش زبان و گسترش بحث‌های نظری، مسائل گوناگون دیگری از قبیل ضرورت‌های محیطی، ارتباط فرهنگی، تعامل بین فرهنگی، جامعه‌شناسی زبان مقصد و غیر آنها در مورد مهارت‌های چهارگانه مطرح می‌شد، ولی در حوزه آموزش زبان، اصطلاح جدیدی برای آن ابداع نگردید. در آخرین دهه قرن گذشته میلادی، در متون تحقیقی آموزش زبان، از مهارت جدیدی با عنوان کلی مهارت پنجم «تفکر» سخن به میان آمد.

مهارت‌های چهارگانه یادشده زبانی را می‌توان از زوایای مختلف دسته‌بندی نمود. این مهارت‌ها از دیدگاه نحوه برقراری ارتباط به دو مهارت «کتبی» خواندن و نوشتن و مهارت «شفاهی» گوش دادن و سخن گفتن و از دید کنش دانش‌آموز به دو «مهارت تولیدی» (سخن گفتن و نوشتن) و «مهارت درکی» (گوش دادن و خواندن) تقسیم می‌شوند. از منظر تحلیل داده‌های زبانی، این دسته‌بندی به دو «مهارت پردازشی» شنیدن و خواندن و «مهارت افزایشی» صحبت کردن و نوشتن و از زاویه مسیر حرکت داده‌ها و نحوه دریافت و ارسال پیام به دو «مهارت ورودی» گوش دادن و خواندن و «مهارت خروجی» سخن گفتن و نوشتن، قابل تقسیم‌اند.

کسب هریک از مهارت‌های زبانی، توانایی‌های متناسب و متفاوتی را در زبان‌آموز ایجاد می‌کند. مهارت گوش دادن به زبان آموز در تقویت سواد شنیداری به منظور درک پیام گوینده، کمک می‌کند، مهارت سخن گفتن توانایی انتقال مقصود را پرورش می‌دهد، مهارت خواندن موجب توانایی زبان‌آموز در درک مطلب و استنباط پیام متن می‌گردد و مهارت نوشتن، توانایی زبان‌آموز را در انتقال پیام، در

قالب نوشتار به دنبال دارد.

«در حال حاضر و در پی تغییر نگرش نسبت به زبان، برخی از متخصصان آموزشی، کسب صرف دانش زبانی را دیگر به معنای توانایی زبان آموز در برقراری ارتباط، کامل و موفق نمی‌دانند و به همین جهت، علاوه بر مهارت‌های چهارگانه، لزوم کسب مهارت دیگری را نیز در فرایند آموزش زبان مورد تأکید قرار داده‌اند. از این مهارت تحت عنوان «مهارت پنجم» نام برده می‌شود. مهارت پنجم مقدمه‌ای برای آمادگی زبان آموز و اعتماد به نفس بیشتری در جهت تولیدات شفاهی‌ست. اطلاق عنوان پنجم برای مهارت‌ها و توانایی‌های تفکرمدارانه، به معنای وجود مهارت‌های اول تا چهارم در آموزش زبان و اولویت‌های آنها براساس اعداد نیست. اطلاق عدد پنج به مهارت پنجم الزاماً به معنای کسب این مهارت پس از مهارت «نوشتن» نیست. برعکس این مهارت در جایگاهی پیش از مهارت‌های گوش دادن و سخن گفتن قرار می‌گیرد و مقدمه‌ای بر مهارت نوشتن محسوب می‌شود. مهارت پنجم، به معنای تفکر، به تقویت مهارت نوشتن منجر می‌گردد» (حقانی، ۱۳۸۴، ص ۵).

● ارزشیابی پیشرفت تحصیلی (کیفی - توصیفی)

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی عبارت است از اندازه‌گیری میزان تغییرات انجام شده یادگیری و قضاوت در مورد عملکرد یادگیرندگان به منظور تصمیم‌گیری درباره ارتقای دانش‌آموزان و کسب اطمینان از اینکه آیا فعالیت‌های آموزشی معلم و کوشش‌های دانش‌آموزان به نتایج مطلوب انجامیده است یا خیر؟

پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با رویکرد کیفی - توصیفی از طریق افراد دخیل در فرایند یاددهی-یادگیری (معلم، برنامه‌ریزان درسی، ارزشیابان و مربی) با مؤلفه‌هایی به شرح زیر ارزشیابی می‌شود :

● شناخت اهداف و انتظارات آموزشی؛

● جمع‌آوری اطلاعات؛

● تحلیل و تفسیر اطلاعات؛

● بازخورد.

با استفاده از ابزارهای گوناگون، از جمله :

(الف) ثبت مشاهدات (فهرست و ارسای یاچک لیست، واقعه نگاری)؛

(ب) آزمون‌های عملکردی (کتبی، شناسایی، موقعیت شبیه‌سازی شده، نمونه کار)؛

(ج) تکالیف درسی (فعالیت‌های یادگیری)؛

(د) خودسنجی و همسال سنجی؛

(ه) آزمون‌های مداد کاغذی؛

(و) پرسیدن؛

(ز) سنجش والدین؛

(ح) پوشه کار.

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، با توجه به حفظ شأن و کرامت انسانی یادگیرنده و با توجه به عناصر تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق، صورت می‌گیرد و نتایج آن به صورت کیفی ارائه می‌شود. نتایج حاصل از ارزشیابی، دانش‌آموزان را به کشف توانایی‌ها ضعف‌ها و قابلیت‌ها رهنمون می‌سازد و برنامه‌ریزی در جهت غنای یادگیری و استمرار در یادگیری را مد نظر قرار می‌دهد. نظام ارزشیابی در پایه‌های مختلف دوره ابتدایی بر اساس رویکرد فرایند محور و برای گذر دانش‌آموز از یک دوره تحصیلی به دوره دیگر، بر اساس رویکرد نتیجه محور و مبتنی بر استانداردهای ملی صورت می‌گیرد. (برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران).

فرایندهای ناشی از ارزشیابی باید از پایایی و ثبات لازم برخوردار باشند و به تشخیص تفاوت‌های فردی یادگیرندگان و تصمیم‌گیری در خصوص پیش‌بینی آموزش‌های ترمیمی و جبرانی برای شاگردان منجر شود.

برای ارزشیابی از میزان تحقق اهداف برنامه درسی فارسی در پایه ششم، با توجه با اصول و مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی و رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی در برنامه درسی ملی، انتظارات آموزشی این درس در دو بخش ذیل توصیه می‌گردد:

بخش اول: مهارت‌های شفاهی (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و تفکر)

۱- روان خوانی و روخوانی:

الف) روان خوانی و روخوانی متون نثر: متون درس‌ها، متون بخش «بخوان و ببیندیش» و بخش «حکایت‌ها» را بارعایت لحن، آواها، تکیه گاه‌ها، سکوت‌ها و شمرده، رسا و درست بخواند؛

ب) روان خوانی متون نظم: (خواندن شعرهای متن درس و شعرهای بخوان و حفظ کن، بارعایت لحن و انتقال درست حس شعر و ایجاد لذت در شنونده و صدای موزون) بخواند.

۲- درک مطلب: درک سؤالات خوانش و فهم و درک و دریافت، دقت در خواندن متون و گوش کن و بگوها، خوب فکر کردن به به آنچه خوانده شده، رساندن پیام و رعایت خلاصه‌گویی و بهره‌گیری از فن بیان به صورت فردی و یا گروهی.

۳- حفظ کردن شعرهای کتاب (با علاقه)،

۴- به کار گرفتن به موقع، آرایه‌های ادبی و نکات دستوری در شعر و نثر (براساس آنچه در بخش دانش زبانی، دانش ادبی و... فرا می‌گیرند و تشخیص می‌دهند)؛

۵- کارگاه درس پژوهی (فعالیت‌های گزارش دادن، شناسایی شخصیت‌های داستان، تهیه فهرست ویژگی‌ها، انتخاب داستان مناسب، تعریف کردن داستان، گفت‌وگو با هم گروهی‌ها، استفاده از فرهنگ لغت، تحقیق در مورد شخصیت‌های ادبی و نام آور، ساختن داستان طنز یا جان بخشی به اشیاء، انتخاب شعر مناسب براساس شبکه نگرشی فصل و خواندن در کلاس یا در گروه، متناسب با توانمندی‌های فردی خود به گونه‌ای مطلوب).

بخش دوم: مهارت‌های نگارشی

۱- نوشتن معنای شعر به نثر ساده؛

۲- خلاصه‌نویسی متن؛

۳- به کارگیری درست واژه در جمله؛

۴- املاي تقریری؛

۵- فعالیت‌های املاي؛

۶- نگارش خلاق (انشا نویسی بر اساس موضوع انتخابی)؛

۷- به کارگیری آرایه‌های ادبی در نگارش؛

۸- رعایت اصول رسم الخطی؛

۹- استفاده از علائم سجاوندی.

● روش‌های آموزش

معلّمی، هنری چند سویه است. یک سوی آن توانایی‌های علمی و تخصصی است؛ سوی دیگر، برخورداری از هوش و خلاقیت فکری و سوی دیگر آن، توانایی‌های زبانی است و... اما یکی از اضلاع بسیار مهم و کارا در معلّمی، داشتن روشمندی و شیوه مناسب تدریس و آموزش است. اعتدای کیفیت آموزش و تمرین بخشی معلّمان در زمینه بهبود یادگیری شاگردان، به حرفه‌ای شدن معلّمان و به میزان توانایی آنان در بهره‌گیری از روش‌های متنوع و فعال، بستگی دارد.

معلّم حرفه‌ای کسی است که در راستای رشد و شکوفایی استعدادهای فطری خود، به شناخت علمی و مهارت‌های عملی مجهّز باشد و از روش‌های نوین آموزش در کلاس و آموزش بهره‌برد. معلّمان عزیز می‌توانند روش‌ها و الگوها را با توجه به شرایط و عوامل زیر انتخاب کنند: فضای فیزیکی کلاس، موقعیت جغرافیایی و بومی، وضعیت روحی دانش‌آموزان، وضعیت آب و هوای منطقه، امکانات مدرسه، توانایی‌های شخصی و خلاقیت‌های فردی خود و بالأخره حس و حال دانش‌آموزان.

هدف از به‌کارگیری روش‌های مختلف در آموزش، ایجاد تنوع و جذابیت در محیط یادگیری و دلنشین کردن موضوع آموزش است. در این نگاه، معلّم از متکلم وحده بودن به تسهیل‌کننده فرایند یاددهی - یادگیری تغییر نقش می‌دهد و از استعدادها و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در جهت بهبود وضعیت آموزشی بهره می‌گیرد. در کتاب‌های راهنمای معلّم فارسی سوم، چهارم و پنجم، مشروحاً به چهار روش «قضاوت عملکرد»، «روش آموزش اعضای گروه»، «کارایی گروه» و «روشن‌سازی طرز تلقی». با تأکید بر فعالیت‌های گروهی، همیاری و مشارکتی که در دوره ابتدایی جایگاه ویژه‌ای دارد، پرداخته شد. در این کتاب در پی، نمایه درس‌ها روش‌های مفیدی پیشنهاد شده است.

توجه: کاربست روش در فرایند یاددهی - یادگیری نشان دهنده ذهن طبقه‌بندی شده، طرّاحی آموزش و برنامه‌ریزی مناسب است. این نوع آموزش، اثرگذار و مفید خواهد بود اما باید به هوش باشیم که خود روش‌ها و مراحل آن، دست و پای خلاقیت فردی ما را نبندد و ما را در تنگنای خود، گرفتار نسازد.

در کنار روش‌ها، بهره‌گیری از رسانه‌ها و کارافزارهای متنوع آموزشی، هم بر پویایی و تنوع آموزش و هم بر میزان تأثیرگذاری آموزه‌ها خواهد افزود. با توجه به همین مسئله بوده است که امروزه کارشناسان قلمرو آموزش، به دامنه فراخ‌تری دست یافته، به طوری که علاوه بر نسخه چاپی کتاب درسی، رسانه‌هایی همچون فیلم بررسی و تحلیل درس‌ها، کتاب گویا (لوح فشرده) و

نسخه شنیداری (لوح فشرده) را نیز تولید کرده‌اند، که لازم است همکاران گرامی، به تناسب محتوای درس و فضای کلاس از این رسانه‌ها بهره بگیرند.

آبشخور اصلی «روش» در نظریه و الگو نهفته است. یعنی هر روش، ریشه در الگو و نظریه علمی و پژوهی دارد. کاربران روش‌ها لازم است به این پیوستگی «از نظریه تا عمل» توجه داشته باشند و در به کارگیری هر روش، پس زمینه‌های فکری و باورشناختی آن را مطالعه نمایند.

بهره‌گیری از «روش» در فرایند یاددهی — یادگیری، بیانگر ذهنی علمی و طبقه‌بندی شده است و سامان یافتگی و انسجام فکری معلم را نشان می‌دهد. بنابراین، روش باید به آموزش ما جهت بدهد تا از زمان به گونه مؤثرتر استفاده کنیم. رعایت تناسب میان ویژگی‌های روش و محتوا با خواست‌ها و حال و هوای فراگیران و آموزندگان از موضوعات بسیار با اهمیت است که نباید به سادگی از آن گذشت.

البته «روش» صرفاً باید تسهیل‌گر آموزش و اثرگذار در یادگیری باشد و اگر خود روش به قید و بندی بر دست و پای ذهن آموزگار تبدیل شود، خلاقیت فردی را از او می‌گیرد و تدریس‌اش همچون قالبی بی روح، تأثیرگذار نخواهد بود. به همین سبب ما از واژه «پیشنهادی» بهره گرفته‌ایم تا این گونه برداشت نشود که لزوماً هر درس را بر پایه روشی آموزش دهید که اینجا ذکر شده است. انعطاف‌پذیری از اصول برنامه زبان آموزی است. بنابراین، از روش‌ها به اندازه‌ای بهره می‌گیریم که به آموزش و میزان اثرگذاری آن کمک کند.

در ادامه، به منظور تکمیل اطلاعات معلمان پایه ششم، به دسته بندی الگوهای تدریس در چهار شاخه عمده «الگوهای اجتماعی، اطلاعات داده‌پردازی، انفرادی و رفتاری»، در راستای شناخت ابعاد و نمودهای علمی و عملی رشد و پرورش دانش‌آموزان، اشاره می‌گردد:

شاخه الگوهای اجتماعی

دانش‌آموزان در هنگام کار با یکدیگر انرژی و نیرویی جمعی به وجود می‌آورند که به آن «جمع‌افزایی» گویند. برای برخورداری از مزیت این پدیده؛ (جمع‌افزایی)، چند الگوی اجتماعی تدریس به شرح زیر شکل گرفته‌اند و در واقع «مدیریت کلاس درس» در گرو توسعه روابط مبتنی بر همیاری در کلاس درس است:

۱- یادگیری در آموزش (یادگیری مبتنی بر همیاری): در این الگو دانش‌آموزان به صورت مثبت و بدون اعمال نظر شخصی کار می‌کنند و در آموزش یکدیگر را یاری و تبحر خود را در کاوشگری می‌افزایند. در این راهبرد، دانش‌آموزان از همکاری ثمر بخش برخوردار می‌شوند و از

کوشش جمعی احساس یکپارچگی می‌کنند در این الگو عادت کردن برای همیاری، کار آمد بودن برای یکدیگر و به هم پیوستن به منظور تعمیق آموخته‌ها به وجود می‌آید.

۲- تفحص گروهی: این الگو راه مستقیم توسعه «جمع یادگیرندگان» است. این الگو برای هدایت شاگردان در تعریف مسائل، کشف چشم‌اندازهای مختلف آن مسائل و بررسی باهم، به منظور چیرگی بر اطلاعات هم‌زمان با رشد شایستگی‌های اجتماعی تدوین یافته است. معلم فرایند گروهی را سازمان می‌دهد و منظم می‌سازد و به شاگردان کمک می‌کند تا اطلاعات را به دست آورند، سپس آنها را سازمان دهی کنند و در مباحثات و فعالیت‌های جدی به کار گیرند.

۳- ایفای نقش: این الگو برای کمک به شاگردان در بررسی ارزش‌های اجتماعی خود و تفکر بر آنها تدوین شده است. این روش دانش‌آموزان را در رشد همدلی با دیگران و تلاش برای بهبود مهارت‌های اجتماعی یاری می‌کند تا تعارضات درونی خود را به صورت نمایش بیرون ریزند. کسب مهارت مذاکره به دانش‌آموزان کمک می‌کند که دریابند با قدری تغییر رفتار، قادر می‌شوند مسائل را آسان‌تر حل کنند.

۴- کاوشگری به شیوه محاکم قضایی: با این روش می‌توان فرصت بررسی مسائل اجتماعی و درسی را برای دانش‌آموز فراهم آورد. از شاگردان خواسته می‌شود، ضمن تحلیل جوانب مختلف موضوع، تعارضات میان ارزش‌ها را شناسایی کنند، در خصوص آنها موضع بگیرند، موضع‌گیری‌ها را مورد کاوش قرار دهند، پیش فرض‌های اساسی آن را به نقد بکشند و نتایج حاصله را مورد استفاده قرار دهند.

وظیفه معلم آن است که به دانش‌آموزان کمک نماید تا بتوانند از جزئیات یک مسئله به یک نتیجه‌گیری و به یک خط‌مشی عمومی برسند. این الگو به آنان کمک می‌کند تا به قدرت مباحثه دست یابند و همچنین ارزش کثرت‌گرایی و احترام به نظر دیگران را در خود پرورش دهند و از راهبردهای درست جانب‌داری نمایند.

شاخه الگوهای اطلاعات‌پردازی

این الگوها بر راه‌های تقویت کشش درونی انسان از طریق گردآوری و سازماندهی اطلاعات اولیه برای درک جهان و کشف مسائل و ارائه راه حل‌های آنها و ایجاد مفاهیم و انتقال آنها تأکید دارند.

۱- تفکر استقرایی: (گردآوری، سازماندهی، کنترل و کاربرد داده‌ها): این روش بر آموزش تفکر و نیز طبقه‌بندی کردن استوار است. دانش‌آموزان بر اساس تعیین شاخص‌هایی در گروه، اطلاعات را سازماندهی و طبقه‌بندی می‌کنند و سپس درباره آنها توضیح می‌دهند. همچنین

طبقه‌بندی‌های مختلف گروه‌ها را باهم مقایسه و برای هر کدام نامی انتخاب می‌کنند.

۲- دریافت مفهوم : معلم نمونه‌هایی از مفهوم مورد نظر را به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد تا در ساخت‌شناسی و شکل‌گیری آنها جهت دار، هدفمند و تأثیرگذار باشد. مراحل این روش عبارت‌اند از : شناسایی مفهوم، آزمون دریافت مفهوم و تحلیل راهبردهای تفکر.

۳- کاوشگری علمی : این الگو شاگردان را به انواع روش‌های منظم مورد استفاده اندیشمندان، در سازمان دهی دانش و تدوین اصول آشنا می‌سازد و به آنان بعضی از مهارت‌ها و نیز زبان کاوشگری دانشمندان را می‌آموزد. آموزش کاوشگری درگیر کردن مستقیم شاگردان با تمرین‌هایی است که فرایند علمی را در زمانی بسیار کوتاه فشرده می‌سازد. مراحل اجرای الگوی کاوشگری عبارت‌اند از برهم زدن عادت ذهنی، پرسشگری، فرضیه‌سازی، آزمایشگری، تحلیل و نتیجه‌گیری.

۴- یاد یارها (دریافت درست حقایق) : این الگو دانش‌آموز را در حفظ ماهرانه مطالب مورد نیاز قادر می‌سازد. بهبود این توانایی، قدرت یادگیری را افزایش می‌دهد، در وقت صرفه‌جویی می‌کند و موجب ذخیره‌بتری از اطلاعات می‌شود. همچنین تداعی ذهنی، محتوای ذهنی را غنی‌تر می‌کند و فعالیت شناختی را افزایش می‌دهد. مراحل این روش عبارت‌اند از توجه به مطلب، پیوند زدن، بسط تحلیل‌های حسی، تمرین و یادآوری.

۵- بدیعه‌پردازی (پرورش تفکر خلاق) : فرایندهای خاص بدیعه‌پردازی از مجموعه فرض‌هایی درباره‌ی روان‌شناسی خلاقیت به وجود می‌آیند. مراحل اجرای الگوی بدیعه‌پردازی : توصیف اولیه، قیاس مستقیم، قیاس شخصی، تعارض فشرده و توصیف خلاق است.

۶- پیش سازمان دهنده‌ها : سازمان دهنده‌ها مهم هستند و لازم است آموخته شوند. در این روش، مفاهیم قدم به قدم توضیح داده می‌شوند و تشکل می‌یابند، تا اینکه فراگیران در پایان دوره آموزشی بتوانند به چشم‌اندازی از موارد بررسی شده دست یابند.

شاخه الگوهای فردی

در الگوهای انفرادی یادگیری از چشم‌انداز شخصیتی خود فرد آغاز می‌شود. این الگوها برآند تا آموزش را چنان شکل دهند که هر فرد با آن بتواند خود را بهتر بشناسد، مسئولیت آموزش خود را به دست گیرد و رسیدن به حدی بالاتر از رشد فعلی خود را بیاموزد تا برای ارتقای سطح زندگی خود قوی‌تر، حساس‌تر و خلاق‌تر گردد.

تدریس غیر مستقیم : مثال : در یک روز کاری معلم به دانش‌آموزان اعلام می‌کند امروز کار و فعالیت را خودتان انتخاب کنید. بعضی از گروه‌ها کار هنری، بعضی بازی، بعضی حل تمرین ریاضی

را پیشنهاد می‌دهند و مشغول آن می‌شوند. در این روش دانش‌آموزان احساسات خود را درباره روابط با دیگران کشف می‌کنند. اعتقاد به توانمندی دانش‌آموز در تصمیم‌گیری‌ها موجب پیشبرد اهداف معلم خواهد شد.

شاخه الگوهای سیستم رفتاری

این خانواده الگوهای تدریس، چون بر رفتار قابل مشاهده و وظایف کاملاً مشخص و روش‌های ارتباط پیشرفت به خود شاگردان تمرکز دارد، از بنیاد تحقیقاتی خوبی برخوردار است. یادگیری تسلط‌یاب و آموزش برنامه‌بندی شده: با چنین آموزشی می‌توان زمان یادگیری را با استعداد دانش‌آموزان متناسب ساخت. از آنجا که پیشرفت شاگردان کم استعداد را با کمک آزمون‌ها می‌توان به خوبی کنترل کرد، لازم است برای آنان وقت و بازخورد بیشتری فراهم سازیم. در این روش می‌توان آموزش را به صورت متوالی در آورد.

آموزش مستقیم: محیط آموزش مستقیم محیطی است که توجهی غالب بر یادگیری دارد و در آن شاگردان درصدد بالایی از وقت خود را در انجام دادن امور مربوط به وظایف درسی صرف می‌کنند. جو اجتماعی مثبت و عاری از تأثیرات منفی است و هدف عمده آن به حداکثر رساندن زمان یادگیری شاگردان است. مراحل آن عبارت‌اند از جهت‌دهی، توضیح، تمرین منظم، تمرین رهنمود یافته، تمرین مستقل.

یادگیری از شبیه‌سازها (مهارت‌ورزی و خودآموزی): شاگردان در شبیه‌سازی، از نتایج اقدامات خود مطالب جدید یاد می‌گیرند. الگوی شبیه‌سازی روش معلمی است که بتواند شبیه‌سازهای موجود و آماده را در برنامه درسی وارد کند و یادگیری موجود در بازی را روشن و تقویت نماید.

جدول روش‌های تدریس فارسی ششم:

در کتاب‌های راهنمای معلم پایه سوم تا پنجم انواع روش‌های تدریس کاربردی به تفصیل آمده است. مطالعه آنها به آموزگاران پایه ششم نیز توصیه می‌گردد.

روش تدریس	درس	روش تدریس	درس
نمایشی	۱۰	بدیعه پردازی	۱
روش تدریس مبتنی بر بیان فکر	۱۱	الگوی دریافت مفهوم	۲
روش تدریس اعضای گروه	۱۲	روش نمایشی	۳
آزاد	۱۳	پرسش و پاسخ	۴
ایفای نقش	۱۴	پیش سازمان دهنده‌ها	۵
کارایی گروه	۱۵	قصه گوئی، حل مسئله	۶
روش تدریس اعضای گروه	۱۶	درس آزاد – بارش مغزی	۷
روشن سازی طرز تلقی	۱۷	سناریو نویسی. نمایش نامه	۸
		واحدکار (پروژه)	۹